

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره دوم - اردیبهشت ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۴۸

بررسی و تحلیل جایگاه نخبگان ادبی آذربایجان

(ص ۲۵۵-۲۷۳)

مسعود برزگر جلالی^۲، کامران پاشایی فخری^۳ (نویسنده مسئول)،

پروانه عادل‌زاده^۴

تاریخ دریافت مقاله: مهر ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: دی ۱۳۹۸

چکیده

زمینه و هدف: آذربایجان در طول تاریخ، همواره دستخوش تحولات متعدد بوده و فراز و نشیبهای سیاسی و اجتماعی این سرزمین پهناور، مقتضیات متفاوتی را به خود دیده که تأثیر مستقیم بر روی کیفیت ارتباطات انسانی و نیز تعاملات اجتماعی مردم گذاشته است، به نحوی که شاهد ظهور و بروز نخبگان از این دیار هستیم. توجه به مهارت‌های سرمایه انسانی (نخبگان)، و بکارگیری درست افراد در جایگاه‌های مناسب و پرورش سرمایه‌های انسانی، سهم عمده‌ای در حفظ بقا و پیشرفت یک جامعه ایفا میکند.

روشها: پژوهش حاضر، مطالعه‌ای است که به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است. محدوده و جامعه مورد مطالعه، نخبگان ادبی آذربایجان بر اساس معیارهای ملحوظ در تحقیق است.

یافته‌ها: براساس نتایج تحقیقات انجام یافته بر روی ۳۶۵ نخبه آذربایجانی بررسی شده در این پژوهش؛ عامل مهم در بالندگی و پرورش نخبگان وجود مکاتب گوناگون ادبی، آموزش عالی، وجود کتابخانه، آموزش و پرورش نوین و ... است، که باعث تعدد و فراوانی نخبگان در این دیار شده است. تعدد نخبگان به نوعی رقابت منفی نیز بین آنان ایجاد کرده است.

نتیجه‌گیری: آذربایجان منطقه‌ای خاص است با سرنوشتی خاصتر و تا حدی شگفت‌آور، کنج‌کاو و حادثه‌جویی تاریخی، اعتقاد به آزادیش (مشروطیت)، فرهنگ‌سازی و نخبه‌پروریش، در عین حال دلخوشیش به صاحب‌اولینها! اولین چاپخانه، اولین روزنامه، اولین مدرسه،... این پژوهش نشان میدهد که برخی از این نخبگان در حوزه ادبیات بوده و جایگاه خاص خود را در ادب فارسی داشته‌اند.

کلمات کلیدی: نخبه‌پروری، نخبگان آذربایجان، ادبیات و بالندگی

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (saaghialali@yahoo.com)

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (pashaei@iaut.ac.ir)

۴- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (adelzade@iaut.ac.ir)

Study and analysis of the position of literary elites of Azerbaijan

Masood Bazegar Jalali¹, Kamran Pashaei Fakhri² (Corresponding author), Parvaneh Adelzade³

Abstract

Background and Purpose: Azerbaijan has always undergone many changes throughout history and also the political and social ups and downs have a direct impact on the quality of human communication as well as people's social interactions in the way that we witness the emergence of elites from this land. Paying attention to elites and the proper employment of individuals in appropriate positions and the cultivation of human capital play a major role in maintaining the survival and development of a society.

Methods: The present study is a library study. The study area, based on the criteria considered in the research, is the literary elites of Azerbaijan.

Findings: Based on the results of research conducted on 365 Azerbaijan elites, an important factor in the growth and development of elites is the existence of various literary schools, higher education, the existence of libraries, and modern education. Which has caused the number and abundance of elites in this country. The multiplicity of elites has also created a kind of negative competition between them.

Conclusion: Azerbaijan is a special region with a more special and somewhat surprising destiny, its historical curiosity and adventure, belief in its freedom (constitutionalism), its culture and elitism, at the same time it is delighted because it is the region of firsts. The first Printing House, the first newspaper, the first school and ... But unaware of itself. Unaware of world view, unaware of its present and past elites. This negligence is sometimes purposeful. And because of political issues and jealousies, and sometimes because of the society's lack of knowledge about the irreplaceable role of literary elites.

Keywords: Elitism, Elites of Azerbaijan, literature and development

1 - PhD Student in Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (saaghialali@yahoo.com)

2 - Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (pashaei@iaut.ac.ir)

3 - Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (adelzade@iaut.ac.ir)

مقدمه

تاریخ آذربایجان سرشار از موارد متعدد نخبه‌پروری در ادوار طولانی خویش بوده است. بی‌تردید برخی از رویدادهای سرزمین پهناور آذربایجان که هزاران سال قدمت دارد از ظهور زرتشت پیامبر و قتل او گرفته تا تصرف این منطقه به دست اعراب و ورود اسلام و رواج آن و درگیریهای متعدد بین مردم آذربایجان با اعراب متصرف تا انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی در تاریخ کشور بی‌نظیر است. روزگارانی که حق و قانون، حامی مقتدر و عادلانه داشت و قدرت مؤثر در دست کسی بود که بیشترین فشار، شکنجه، قتل و غارت را اعمال میکرد. پژوهش حاضر «بررسی و تحلیل نخبگان ادبی آذربایجان» را مورد بررسی قرار داده است.

هدف از این تحقیق استخراج کیفیت زندگی نخبگان و طرح وجود جریان بالندگی آنان در آذربایجان هست که به تأسی از وجود این جریان در فضای عمومی کشور و نیز نمونه‌های متعدد از آن در فضای خاص سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آذربایجان به وقوع پیوسته است. لذا با همین ساختار تاریخ آذربایجان و بزرگان این دیار از منابع مختلف مورد مطالعه قرار گرفت و در نهایت ۳۶۵ نفر از این بزرگان انتخاب گردید و شرح زندگی آنان به‌اختصار استخراج و تدوین شد. منظور از آذربایجان در این پژوهش، سرزمین پهناوری است که اینک بطور مشخص چهار استان آذربایجان غربی، شرقی، اردبیل و زنجان را در برمیگیرد که در طول تاریخ به‌عنوان یک منطقه نامیده میشدند و بعدها و گاه در سالهای اخیر به صورت استان مجزا شناخته شده‌اند.

ابعاد وسیع نخبه‌پروری، اهمیت مطالعه تاریخ آذربایجان و تبریز را ضروری مینمود. همچنین آثار و اماکن مهم تاریخی که حوادث یا اشخاص بزرگی را به خود دیده یا در دل خود به امانت برای آیندگان نگه داشته است نیز جزو اهمیتهای غنای محتوایی پژوهش به نظر رسید. نیز تجزیه و تحلیل یافته‌ها از جهات مختلف و همچنین پیشنهادهایی برای ارج گذاشتن به نخبگان موجود و متوفی و ترویج جریان نخبه‌پروری در این مقاله آمده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

از بدیهی‌ترین واقعیات پذیرفته شده در علوم اجتماعی، شکل طبقاتی جوامع است. این مطلب که یک جامعه، عبارت است از نیروها و طبقه‌های گوناگون اجتماعی، نظریه‌ای است که در اندیشه‌های سیاسی فیلسوفان قدیم نیز مطرح شده است. در نوشته‌های اندیشمندان، از یونان باستان تا دوران معاصر، با اصطلاحات و کلمات گوناگون، مضمون واحدی مطرح شده است: «نمایندگان خالق بر روی زمین»، «گروه برتر اجتماعی»، «حکومت فضلاء»، «افراد ممتاز»، «دانیان و شایستگان»، «حکومت اشراف» «آریستوکراسی» و... از این اصطلاح در مفهوم امروزی علم سیاست، به نام «نخبگان» یاد

شده است. بسیاری برآنند که شکل‌گیری و شکوفایی فرهنگها و تمدنها، مرهون شخصیت حقیقی مردان بزرگی است که تاریخسازان جوامع به شمار می‌روند و قدرت ایجاد تحول در اجتماع را دارند، خواه این تحولات در زمینه مسائل سیاسی و چهارچوب مبنای حکومتی باشد و خواه در عرصه اندیشه، علم، فناوری، فرهنگ و هنر. نقش این نقش‌آفرینان انکارناپذیر است، بررسی چگونگی شکل‌گیری شخصیت فکری آنها و چگونگی رشد و نمو آن در صحنه اجتماع و ایجاد تحول در جامعه، به فهم موضوع تحقیق کمک میکند و نیز زمینه‌های بهره‌گیری آیندگان را فراهم می‌آورد.

پیشینه پژوهش

درباره پرورش و بالندگی نخبگان در آذربایجان تاکنون پژوهشی علمی، منسجم و آکادمیک انجام نگرفته است. آنچه دراینباره میتوان یافت مطالبی است پراکنده در روزنامه‌ها، مجلات، اینترنت و در لابه‌لای زندگینامه نخبگان و بزرگان این دیار و نیز افواه مردم که اشاره کوتاهی به این موضوع داشته‌اند. پیش از این کتابی با عنوان جامعه‌شناسی نخبه‌کشی اثر «علی رضا قلی» توسط انتشارات نی تهران، شامل چهار بخش به چاپ رسیده است. در بخش یکم این کتاب که ویژگیهای فرهنگ اقتصادی در ایران از دوره مغولان مورد بررسی قرار گرفته و در سه بخش بعدی به اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران در زمان قائم‌مقام، امیرکبیر و محمد مصدق پرداخته شده و مشکلات و موانع بیشتر روی نخبگان، مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین پایان نامه کارشناسی ارشد خانم فاطمه زینالی با عنوان: «بررسی علل نخبه‌کشی و نمونه‌های آن در ادبیات فارسی» که استاد راهنمای این پایان‌نامه جناب آقای دکتر کامران پاشایی فخری بود مورد استفاده قرار گرفته است. اما در خصوص نخبه‌پروری در آذربایجان و بررسی ابعاد مختلف آن در زندگی نخبگان اثری یافته نشد.

مبنای نظری پژوهش

نگاهی کوتاه به تاریخ آذربایجان

آذربایجان (به پارسی میانه: آتورپاتاکان) (به پارسی باستان: آذربادگان / آذربایگان) (به ارمنی: آتُرپَتَکَن) (به سریانی: آذربایغان) نام سرزمینی جغرافیایی در انتهای شمال‌غربی ایران است که آن را آذرباد، آذربادگان، آذربادگان، آذربایگان، آذربایجان و آذربایجان نیز نامیده‌اند. این سرزمین از شمال به رود ارس، جمهوری آذربایجان و ارمنستان، از جنوب به استان کردستان از شرق به استان گیلان و دریای خزر و از غرب به ترکیه و عراق محدود شده است و شامل چهار استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان است. در گذشته، آذربایجان به سرزمینی گفته می‌شده که از شمال به اران، از جنوب‌غرب به آشور، از غرب به ارمنستان و ترکیه محدود میشده و پایتخت آن شهر «گنجک» در تخت

سلیمان در نزدیکی تکاب بوده که اعراب آن را «کزنا» و یونانیان «گازا» می‌نامیده‌اند.
(لغت‌نامه دهخدا)

علل بالندگی نخبگان

۱- ادبیات

براساس بررسیهای انجام گرفته، زادگاه بسیاری از شاعران و ادیبان ایرانی آذربایجان است که برخی از مشهورترین آنان عبارتند از عمادالدین نسیمی، محمدحسین شهریار، غلامحسین ساعدی و صمد بهرنگی. آثار بسیاری از این ادیبان به زبانهای ترکی آذربایجانی، فارسی و عربی است. همچنین برخی از شاعران و ادیبان ایرانی مانند صائب تبریزی دارای اصالتی آذربایجانیند یا همانند مولانا بخشی از زندگی خود را در این سرزمین گذرانده‌اند و برخی از آثار خود را در این سرزمین ایجاد نموده‌اند. هم‌چنین از سرزمین آذربایجان در برخی متون ادبیات کهن فارسی به عنوان یکی از بخش‌های اصلی ایران، به نیکی یاد شده است.

از ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی

گزیده هرچه در ایران بزرگان ز آذربایگان و ری و گرگان

نظامی گنجوی

از آن جا به تدبیر آزادگان بیامد سوی آذربادگان

شاهنامه فردوسی

به یک ماه در آذربادگان بودند شاهان و آزادگان

همه ویژه گردان آزادگان بیامد سوی آذربادگان

۲- آموزش عالی

تاریخچه نخستین مؤسسات آموزش عالی در آذربایجان را شاید بتوان به شروع کار «ربع رشیدی تبریز» در اواخر سده سیزدهم میلادی نسبت داد. در دوران معاصر، روند تحصیلات عالی در اواخر سده نوزدهم میلادی با مؤسسه «جوزف کاکرن»^۱ برای آموزش پزشکی در محل فعلی دانشگاه ارومیه شروع شد که با مرگ دکتر کاکرن، این مؤسسه نیز تعطیل گردید. یک سال پس از جنگ جهانی دوم و در دوران حکمرانی حکومت خودمختار آذربایجان، آموزش عالی مدرن با شروع به کار دانشگاه تبریز جان تازه‌ای گرفت.

۳- صنعت چاپ

... عباس میرزا در سال ۱۲۲۷ هجری قمری نخستین دستگاه چاپ فارسی را با حروف سربی در شهر تبریز که حکمرانی آن را بر عهده داشت خریداری و در این شهر نصب نمود. رساله جهادیه اثر میرزا عیسی قائم‌مقام نخستین خروجی این دستگاه و چاپ به شمار می‌رود. این یادآوری لازم است که تهران به عنوان مرکز ایران، ۱۲ سال بعد یعنی ۱۳۳۹ قمری دارای دستگاه چاپ گردید. (سرداری‌نیا، ۱۳۸۶: ص ۲۹)

۴- ترجمه کتب خارجی

از اقدامات مهم عباس میرزا نایب‌السلطنه، اعزام دانشجو به اروپا بود به‌ویژه انگلستان و لذا نخستین ترجمه از زبان انگلیسی به فارسی بود که به فرمان عباس میرزا، نخستین دانشجویی که از انگلستان بازگشته بود، به نام میرزا رضا تبریزی آثار تاریخی ولتر^۱ یعنی پترکبیر و شارل^۲ دواژدهم را به فارسی ترجمه نموده و با تمجید روبه‌رو شد. نسخه خطی ترجمه تاریخ شارل ۱۲ در کتابخانه ملی زیر شماره ۴۷۶ نگهداری می‌شود. اثر دوم که ترجمه شد انحطاط و سقوط امپراتوری رم بود که کتاب بسیار معروف ادوارد گیبون^۳ است. گفتنی است ترجمه در کتابخانه ملی شماره ۶۶ در ۲۶۷ برگ باقی‌مانده است. (همان: ص ۷۷)

۵- مهندسی انشای جدید

«میرزا عبدالرحمن نجارزاده تبریزی، معروف به طالبوف، برجسته‌ترین اندیشمند تاریخ معاصر ایران بود که در سال‌های قبل از مشروطیت با تألیف آثار ارزشمند سال‌ها تلاش کرد که راه اصلاحات را به هم‌وطنان خود نشان دهد و افکار عمومی را به سوی تفکر سوق دهد. وی در سال ۱۲۵۰ قمری در کوی سرخاب تبریز متولد و ۱۶ ساله بود به تفلیس که آن زمان کانون آزادگان و انقلابیون بود رفت.

در عصر پادشاهی ناصرالدین‌شاه، طالبوف نیز که دارای انشای خوبی بود، از راه قلم به بیداری مردم کوشید و آنان را با عیوب حکومت استبدادی و لزوم استقرار مشروطه آشنا ساخت چنان که نوشته‌های او را الفبای آزادی نامیدند. وی چندین کتاب مفید نگاشت و در قفقاز و استانبول به چاپ رسید. شاهکار طالبوف «کتاب احمد» یا «سفینه طالبی» اوست که در دو جلد و با زبانی ساده با فرزند مرحوم خود گفتگو کرده است. (همان: ص ۹۴)

۱ - Voltaire

۲ - Charles

۳ - Edward Gibbon

۶- ادبیات کودکان

«جوامعی که آینده‌نگر هستند و دوست دارند آتیه‌ای بهتر داشته باشند که بتوانند در آن با آرامش و نشاط زندگی کنند تربیت کودکان را سرلوحه تلاشهای خود قرار میدهند و به آموزش و پرورش کودکان اولویت قائل میشوند و از تأثیر ادبیات کودکان در حوزه شعر - داستان و ادبیات غافل نیستند و در این راه قدم برمیدارند. در این رهگذر، تبریز، طلایه‌دار بوده است و از پیشگامان این دیار است. از قافله‌سالاران این حرکت اساسی در تبریز میرزا عبدالرحیم طالبوف، ایرج میرزا جبار باغچه‌بان و صمد بهرنگی می‌باشند.

طالبوف نخستین نویسنده کودکان ایران است. کتاب احمد یا سفینه طالبی او در سال ۱۲۷۳ شمسی در استانبول به چاپ رسید که کتابی آموزشی برای کودکان بود. از طرفی شعر که شاخه‌ای از ادبیات است؛ ایرج میرزا نخستین گام را در راه ایجاد ادبیات کودک در ایران برداشت. «مادرنامه» او اثری جاودانه در این زمینه است. ایرج میرزا در ۱۲۹۱ هجری قمری در تبریز متولد شد. جبار باغچه‌بان چون عاشق بچه‌ها بود خود را وقف آنها نموده و در آثار منظوم او عشق به کودکان موج میزند و کتاب «پروانه» اثر جاودانه اوست در این عرصه و همچنین صمد بهرنگی دوست صمیمی بچه‌ها و معلم و چهره معروف ادبیات معاصر کودکان بود و ماهی سیاه کوچولو، عروسک سخنگو، کندوکاو و ده‌ها عنوان اثر دیگر همه نشان از مقدم بودن آنها در عرصه بنیانگذاری ادبیات کودکان را میرساند.» (همان: ص ۱۱۹)

۷- روزنامه‌نگاری

تبریز در زمینه روزنامه‌نگاری و در واقع پرورش افکار و اندیشه‌های مردم خدمات گرانقدری داشته است. بر اثر مبارزات تبریزیان بود که روزنامه‌نگاری ملی مردمی و انقلابی در ایران آغاز پرفراز و نشیب خود را طی نمود. قلم‌زنان تبریز روزنامه‌نگاری را در این مرز و بوم با هوشمندی و فداکاری به راه انداخت و این حرفه را به هم‌وطنان ایرانی آموخت. روزنامه اختر از سال ۱۲۹۲ هجری قمری به تشویق میرزا نجف‌قلی‌خان تبریزی و به مدیریت آقا محمدطاهر تبریزی و به نویسندگی میرزا مهدی‌خان تبریزی آغاز به کار کرد. این نشریه چنان آتشی به پا کرد که شعله‌های آزادیبخش آن سراسر هندوستان به عراق - قفقاز و ایران را گرفت. حدود ۱۵ سال بعد از انتشار اختر بود که نشریات دیگری چون قانون، حکمت، ثریا، حبل‌المتین و پرورش پیدا شدند.

۸- آموزش و پرورش نوین

تأسیس مدرسه و بنیانگذاری آموزش و پرورش نوین از جمله گام‌های مهم و ارزنده‌ای است که به همت یکی از فرزندان خلف این دیار برداشته شده است. برپایی دبستان، تعمیم، تعلیم و تربیت مدرن راهی پرفراز و نشیب بود که «میرزا حسن رشیدیه» پیمود.

پیش از این که رشديه اقدام به تأسيس مدرسه جديد بکند، مدارسى که در ايران باز شده بود همه متعلق به خواص بود و دارالفنون مدرسه تبريز، مکتب مشيريه، مدرسه همايوني و مدرسه نظامي تهران همه محل تحصيل فرزندان اعيان، سرشناسان و اشراف دستگاه دولتي بود و در حقيقت رشديه بود که مدرسه‌اي براي عامه‌ي مردم بازکرد و فرزندان آنها را براي تحصيل پذيرفت. از اين رو حقي در خور اعتنا به گردن جامعه ايراني دارد. ميرزا حسن- رشديه در پنجم رمضان سال ۱۲۶۷ هجري قمری در محله چرنداب تبريز متولد شد. پنج ساله بود که به مکتب‌خانه رفت. به اعتبار هوش و ذکاوتش هر سال از طرف آخوند مکتب به عنوان خليفه مکتب‌خانه انتخاب ميشد.

«رشديه» در سال ۱۲۹۸ قمری در بيروت وارد مدرسه‌اي شد. در سال ۱۳۰۰ به قصد تأسيس مدرسه در ايران راهی تبريز شد. وی پس از ورود به تبريز، نخستين مدرسه را در ربیع‌الاول ۱۳۰۵ هجري قمری در محله ششکلان در مسجد مصباح‌الملک تأسيس نمود. رشديه در رمضان ۱۳۹۵ قمری موفق شد نخستين دبستان به سبک جديد در تهران را در کنار پارک امين‌الدوله تأسيس کند. وی ۲۷ جلد کتاب تأليف نمود و کتاب درسي وطن ديلي يعنی زبان وطن به زبان آذري را به يادگار گذاشت. در سال ۱۳۲۳ شمسي در ۹۸ سالگی بدرود حيات گفت و در قم مدفون شد.

۹- تأليف نخستين دایره‌المعارف

در اوایل قرن سیزدهم هجري قمری آن زمان که از مدارس-دانشگاه‌ها و کتاب‌خانه‌های امروزی خبر نبود یک روحانی آذربایجانی در بیش از دو قرن پیشین برای نخستین بار دایره‌المعارفی غنی را تأليف کرد و او «آقامحمدحسن زنوزی تبریزی» بود در سال ۱۲۰۹ قمری. ميرزا حسن زنوزی کتاب بحرالعلوم را به نام حسينقلي خان تأليف کرد. کتاب رياض‌الجنه را نیز که به دستور او آغاز کرده بود بعد از مرگ خان در ۱۲۱۶ قمری تکميل نمود. بحرالعلوم جنگ دایره‌المعارف مانندی است شامل مطالب گوناگون ادبی، تاريخی و مذهبی که آن را در سه شعبه تأليف کرده است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس شورا در تهران به شماره ۲۱۸۶ موجود ميباشد. از طرفی کتاب رياض‌الجنه که به فارسی و عربی است، حالا شاعران ايراني، تازی، پادشاهان، وزيران، اميران و اخبار متنوع مذهبی در هشت روضه تأليف کرده است. اين کتاب خطی ۱۱۴۰ صفحه به قطع بزرگ که اگر چاپ شود متجاوز از ۴۰ جلد خواهد بود. اين مجموعه در کتاب‌خانه آيت الله مرعشی قم نگهداری می‌شود. (همان: ص ۱۹۴)

۱۰- کتابخانه عمومی

«در تاريخ معاصر ايران، در زمينه تأسيس کتاب‌خانه‌های عمومی و قرائتخانه، تبريزها پيشگام هستند و مردمان اين ديار معارف‌پرور چون به اهميت وجود کتابخانه‌ها پی برده

بودند در بیش از یک قرن پیش به این مهم دست زدند. شادروان حسین امید، در تاریخ فرهنگ آذربایجان از کتابخانه معروف خواجه رشیدالدین فضل‌الله در تبریز نام می‌برد. در تبریز تأسیس کتابخانه سابقه طولانی و ممتدی دارد. قدیمترین قرائتخانه و کتابخانه در تبریز در سال ۱۳۱۲ قمری جنب مکتبخانه ارک به‌وسیله مرحوم خازن لشکر با کتابداری مرحوم شریعتمدار تأسیس شده است. این کتابخانه عمومی بوده و هرکس می‌توانست قبض داده کتاب را امانت بگیرد و پس از مطالعه مسترد نماید.» (همان: ص ۲۰۴)

۱۱- زادگاه شعر نو و نقد ادبی

شعر نو و نقد ادبی پدیده‌هایی ادبی و فرهنگی هستند که بر اثر خواست زمان و نیاز جامعه پدید می‌آمدند و تحولات سیاسی و دگرگونیهای اجتماعی آنها را به منصفه ظهور می‌رسانند. شعر نو و نقد ادبی را انقلاب مشروطه در شهر کهن و انقلابی تبریز به وجود آورد و در این میان، جعفر خامنه‌ای و تقی رفعت از جمله پیشتازان و پیشگامان تجدیدنظر در ادبیات و نقد ادبی بودند. جعفر خامنه‌ای از شخصیت‌های برجسته تاریخ معاصر تبریز است. ادیب و مترجمی که قلم شیوایش حاکی از یک ذوق سرشار بوده است. شاعری که ضمن شرکت در انقلاب مشروطه از پایه‌گذاران تحول ادبی به شمار می‌رود. وی در سال ۱۲۶۵ شمسی در محله اهراب تبریز متولد شد.

از جمله اشعار وی:

امام عصر کجایی بیا به یاری امت بیا به یاری امت امام عصر کجایی

وی آن زمان که ابیات بدون قافیه را سرود در سراسر ایران شعر نو به گوش کسی نخورده بود.

ای غنچه گل ارده‌ی اجازت تا از تو دهم صفا و زینت
خواهم به ادب ترا بچینم بر سینه یار نازنینم
(سرداری‌نیا، ۱۳۸۶: ص ۲۵۳)

میرزا تقی رفعت نیز از درخشان‌ترین چهره‌های ادبیات آذربایجان به شمار می‌رود. وی پیشاهنگ تحولات نوپردازی و نقد ادبی در ایران می‌باشد. وی سردبیر روزنامه تجدد و مدیر مجله ادبی «آزادستان» تبریز بود. وی مدتها با غزلسراها و قصیده‌سراهای متعصب مبارزه کرد و در عدول از قواعد عرض و تکفیر شد. وی قواعد را درهم شکست و با سلاح علم و ایمان به مصاف آنان رفت و مکتب رفعت را بنیان نهاد.

۱۲- مکاتب تبریز

نخستین مکتب نگارگری ایرانی در تبریز پایه‌ریزی شده است که به همین دلیل آن را «مکتب تبریز» نامیده‌اند. این مکتب، دوره آغاز ورود عناصر چینی به حوزه نگارگری ایرانی

به حساب می‌آید که از نظر تاریخی در دو دوره قابل بررسی است:

الف) مکتب تبریز اول

مکتب تبریز اول یا مکتب مغول (ایلخانی) (قرون ۷ و ۸ ه. ق.) نخستین مکتب نگارگری ایرانی است که در تبریز پایه‌ریزی شده و به همین دلیل آن را «مکتب تبریز» نامیده‌اند. این مکتب مصادف با حکومت ایلخانان مغول در ایران است که مرکز خود را تبریز قرار دادند. این مکتب، دوره آغاز ورود عناصر چینی به حوزه نگارگری ایرانی به حساب می‌آید. در این دوره تأثیر نقاشی چینی بر روی نگارگران ایرانی واضح است. از آثار این مکتب می‌توانیم به منافع‌الحيوان ابن‌بختیشوع (۶۹۵ ه. ق.)، جامع‌التواریخ رشیدی (۷۱۴ ه. ق.)، شاهنامه‌دموت (ابوسعیدی) (۷۳۱-۷۳۷ ه. ق.) به خط نسخ، یک نسخه کلیلهددمنه، معراج نامه و تاریخ چنگیزی اشاره کنیم. بیشتر این کتاب‌ها در ربع رشیدی تهیه شدند.

از محصولات کارگاههای تبریز، شاهنامه دموت است که نگاره‌های آن توسط چند نقاش اجرا شده است و هم‌اکنون تنها چند تصویر پراکنده از آن باقی است. در نگاره‌های شاهنامه دموت سنت‌های ایرانی و بین‌النهرینی پیش از مغول با سنت‌های خاور دور آمیخته شده‌اند. تصویرگران شاهنامه دموت تمایلی به نشان دادن حالات عاطفی انسان و تجسم حجم و عمق نشان می‌دهند که در سنت نقاشی ایرانی بی‌سابقه است. شاهنامه دموت را میتوان نقطه اوج پیشرفت نقاشی عهد ایلخانی دانست. از نگارگران این دوره میتوان از احمد موسی، امیر دولتیاری، مولانا ولی‌الله و محمدعلی توسی کاتب نام برد.

ب) مکتب تبریز دوم

مکتب تبریز دوم به دومین دوره از مکتب نگارگری ایرانی تبریز گفته می‌شود. شاه اسماعیل در سال ۹۱۶ هجری قمری بر خاندان شیبانی تسلط یافت و حکومت خاندان صفوی را تشکیل داد. او پایتخت را از هرات به تبریز منتقل کرد و هنرمندان و صنعت‌گران را از گوشه‌کنار کشور به آن‌جا دعوت کرد. ایران در دوران سلطنت پادشاهان صفوی به اتحاد و یکپارچگی و عظمت دست یافت. شاه اسماعیل صفوی، استاد کمال‌الدین بهزاد را که در عهد تیموری پرورش یافته بود به تبریز دعوت کرد و او را به سرپرستی گروهی از نقاشان و خوشنویسان، رنگ‌کاران و صحافان و... برگزید. این گروه حرکت فرهنگی و هنری مکتب تبریز را به وجود آوردند.

این شیوه نوین، از ترکیب سنت نقاشی تبریز در دوره مغول و مکتب هرات و روش شخصی بهزاد پدید آمد.

یکی از هنرمندان برجسته مکتب تبریز، سلطان محمد تبریزی بود که به خدمت شاه اسماعیل درآمد و از این زمان به بعد یکی از پایه‌های محکم مکتب جدیدالتأسیس تبریز دوره صفوی شد.

شاه اسماعیل در سال ۹۱۶ ه. ق. به هرات حمله برد و آن‌جا را به تصرف خود درآورد و سنت و دستاوردهای غنی و شکوهمند مکتب هرات دوره تیموری را به ارث برد. او از قرار معلوم بعضی از آثار نفیس و کتب ارزشمند مکتب هرات را به تبریز منتقل کرد.

شاه اسماعیل سپس فرزند خود طهماسب میرزا را حاکم هرات کرد. شاه‌طهماسب که شیفته نقاشی و خطاطی بود پس از رسیدن به سلطنت به حمایت از این هنرها پرداخت و هنرمندان زیادی از مکتب هرات و ترکمان را در پروژه‌های شکوهمند کتاب‌آرایی به کار گرفت و بدین‌ترتیب آثار مکتب تبریز دوره صفوی پدیدار شد و مکتب تبریز که یکی از مکاتب درخشان هنر نگارگری ایران است شکل نهایی خود را پیدا کرد و آثار شکوهمندی چون شاهنامه شاه‌طهماسبی و خمسه نظامی شاهی را تولید کرد. پس از به قدرت رسیدن شاه اسماعیل هنرمندان در تبریز گرد آمدند و در کتاب‌خانه سلطنتی که ریاست آن را بهزاد به عهده داشت به فعالیت پرداختند. قاسم علی شیخ‌زاده و میرک که همراه بهزاد از هرات به تبریز آمده بودند شیوه‌ای را بنیاد گذاشتند که بر دوش بهزاد و شاگردانش بود. شهرت بهزاد هنرمندان پس از خود را تحت تأثیر قرار داد و بسیاری آثار خود را با نام و امضای او ارائه میدادند. شاه‌طهماسب از اوان کودکی به فراگیری خط و نقاشی پرداخت و طراحی نزاکت قلم را به مرتبه کمال رسانید. او در جوانی استادان معروف را گردآوری کرد ولی در اواخر عمر به این هنرمندان توجه کمتری داشت بطوری که بسیاری از آنان در دربار ابراهیم میرزا در مشهد گرد آمدند و سبکی دیگر را به وجود آوردند.

معرفی برخی از نخبگان ادبی آذربایجان

آرین پور یحیی (نویسنده و پژوهشگر تاریخ ادبیات ایران)

«یحیی دانش، معروف به آرین پور در سال ۱۲۸۶ هجری شمسی در تبریز به دنیا آمد و این در حالی است که به قول خودش، روز، ماه و حتی سال تولدش به درستی مشخص نیست. در مدرسه‌ای که اسماعیل امیرخیزی مدیریت و تعلیمات آن را برعهده داشت، تحصیل کرد و هنگامی که در کلاس ششم دبیرستان درس میخواند، شش شماره از مجله ادب به دست وی انتشار یافته بود و سپس به استخدام اداره دارائی درآمد و مدت ۳۳ سال در آن اداره مشغول به کار شد.

آرین پور علاوه بر ترکی و فارسی به زبانهای روسی، فرانسوی و انگلیسی نیز تسلط کامل داشت و روزنامه‌ها، مطبوعات و دیگر منابع ادبیات معاصر را جمع‌آوری میکرد. مدتی نیز به کار مترجمی در شرکت راه‌آهن پرداخت و سرانجام تاریخ ادبیات جدید ایران را از

قاجار تا پهلوی در کتابی به نام از صبا تا نیما به رشته تحریر درآورد که به‌عنوان معتبرترین مجموعه‌ای است که در تاریخ ادبیات ۱۵۰ سال اخیر نوشته شده است. از همدوره‌ایهای وی که ارتباط نزدیکی با هم داشتند، میتوان به رعدی آذرخشی، علی‌اصغر حریری و محمدحسین شهریار اشاره کرد. این استاد فرهیخته آبان ماه ۱۳۶۴ در تهران درگذشت. در میان آثار ارزشمند آراین پور، از صبا تا نیما (۲ جلد)، از نیما تا روزگار ما و ناصر خسرو و اسماعیلیان جایگاه خاصی داشته و از دیگران متمایزترند. (رستمی، ۱۳۹۶: ص ۱۷۲)

اعتصامی، پروین (شاعر و غزلسرای نامدار ایران)

«پروین (رخشنده) اعتصامی فرزند میرزا یوسف‌خان اعتصامی به سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در خانواده ادب‌پرور و فرهنگی متولد شد. همواره منزل ایشان میزبان اشخاصی نظیر دهخدا، ملک‌الشعراى بهار و دیگر ادبای سرشناس بود. از اینرو پروین در این فضای علمی و فرهنگی پرورش یافت و با افکار نخبگان ادب عصر خود آشنایی یافت.

وی در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی ناخواسته با پسرعموی پدرش به نام فضل‌الله همایون‌فال - از صاحب‌منصبان نظمیه - ازدواج کرد اما چون روحیات این دو بکلی باهم فرق داشت، این وصلت بعد از چند ماه به جدایی منجر شد و پروین با قلبی شکسته به خانه پدرش بازگشت. دیوان اشعارش که شامل پنج هزار بیت شعر است، برای نخستین‌بار در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی با مقدمه ملک‌الشعراى بهار منتشر شد و از شورای عالی معارف نشان درجه سوم علمی دریافت کرد. این شاعر بزرگ در فروردین ۱۳۲۰ در آستانه ۳۵ سالگی بیمار شد و روز پانزدهم همان ماه چشم از جهان فروبست و پس از تشییع در مقبره خانوادگی در صحن حضرت معصومه (س) تدفین گردید. در نقل‌های مختلف دلیل درگذشت این غزل‌سرای نام‌آشنا را عدم حضور به‌موقع پزشک بر بالین بیمار دانسته‌اند و با این که وی به حصبه مبتلا بود، پزشک آن را تشخیص نداد و باعث شد اختر چرخ ادب در اوج جوانی از دنیا رخت بربندد. وی قبل از مرگش این شعر را برای قبر خود سروده بود:

که خاک سیه‌اش بالین است	اختر چرخ ادب پروین است
گرچه جز تلخی از ایام ندید	هرچه خواهی سخنش شیرین است
صاحب آن‌همه گفتار امروز	سائل فاتحه و یاسین است

(رستمی، ۱۳۹۶: ص ۱۸۰)

اعتصامی، یوسف (نویسنده، ادیب و دانشمند فرزانه)

«یوسف اعتصامی معروف به اعتصام‌الملک در سال ۱۲۵۳ هجری شمسی در تبریز متولد شد. وی بیشتر عمرش را به تربیت و تهذیب نفس خویش پرداخت. ابتدا نزد پدر به تحصیل پرداخت و سپس وارد علوم ادبیات عربی، فقه، اصول، منطق، کلام و حکمت قدیمی شده و خطوط نستعلیق، شکسته، نسخ و سیاق را در حد اعلا فراگرفت و در نگارش

خط بر بسیاری از استادان فن پیشی گرفت. اعتصام‌الملک به زبان‌های فرانسوی، عربی و استانبولی تسلط کامل داشت به‌طوری‌که در ۲۰ سالگی کتاب قلائد الادب فی شرح اطواق الذهب وی در مصر چاپ و به‌عنوان کتاب درسی تدریس میشد. از طرفی حدود ۴۵ عنوان کتاب توسط وی تألیف و ترجمه شده و نامش زیور و زینت نشریات و مجلات بود. اعتصامی در اواخر عمر به سیاست روی آورد و وارد مجلس شورای ملی شد اما آنجا نیز به ریاست کتابخانه مجلس و عضو کمیسیون معارف انتخاب گردید و دوباره به‌سوی فرهنگ سوق یافت. از مهمترین آثار وی میتوان به فهرست کتابخانه مجلس (دو جلد)، تربیت نسوان، تیره‌بختان، سیاحت‌نامه فیثاغورث و سفینه غواصه اشاره نمود. گفتنی است شاعره و غزلسرای بزرگ ایران - پروین اعتصامی - دختر این مرد فرهیخته بود. اعتصام‌الملک در زمستان ۱۳۱۶ هجری شمسی در تهران چشم از جهان فرو بست و در جوار حرم حضرت معصومه (س) در شهر قم به خاک سپرده شد. (همان: ص ۱۸۱)

انزایی نژاد، رضا (ادیب، نویسنده و پژوهشگر برجسته کشور)

«سیدرضا انزایی نژاد به سال ۱۳۱۵ هجری شمسی در تبریز متولد شد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی، در سال ۱۳۳۵ وارد دانشسرای عالی تبریز شد. سه سال بعد به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و هم‌زمان تا مقطع کارشناسی ارشد در زادگاهش به ادامه تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۴۸ با ورود به دانشگاه سوربن فرانسه، تحصیل در رشته زبان و ادبیات عربی را آغاز کرد اما با بازگشت به ایران، رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران تا اخذ درجه دکتری دنبال نمود و چندی بعد به تدریس در گروه زبان و ادبیات فارسی مشغول شد. این ادیب برجسته از سال ۱۳۷۱ تدریس زبان فارسی را در دانشگاه‌های فردوسی مشهد و مختوم‌قلی ترکمنستان آغاز نمود و مدتی بعد در پایتخت اوکراین و سپس مسکو به تدریس پرداخت.

انزایی نژاد از سال ۱۳۷۳ سردبیری مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی را برعهده گرفت و ضمن آن آثار ارزشمندی خلق نمود که از آن میان میتوان به تصحیح و شرح دستورالوزاره، تصحیح و شرح مقامات حیدری، تصحیح و شرح منطق‌الطیر، ثمارالقلوب فی‌المضاف والمنسوب و فرهنگ لغات عامیانه اشاره کرد. این ادیب بزرگ و مصحح متون کهن در آخرین روزهای سال ۱۳۹۱ در مشهد مقدس چشم از جهان فرو بست.» (همان: ص ۱۸۷)

اوحدی مراغه‌ای، رکن‌الدین (عارف و شاعر قرن هفتم و هشتم)

«رکن‌الدین اوحدی مراغه‌ای (۶۷۳ - ۱۵ رمضان ۷۳۸ قمری) عارف و شاعر قرن هشتم هجری و اهل مراغه است که به زبانهای آذری و فارسی شعر سروده است. اوحدی معاصر ایلخان مغول سلطان ابوسعید بود و آرامگاه او در مراغه است. اشعار اوحدی مراغه‌ای از ابتدا

مورد توجه بوده و تعداد آنها به ۱۴,۷۲۹ بیت می‌رسد. از آثار اوحدی دستنویسهای بسیاری به جا مانده است.

(مسرور، ۱۳۰۷: ص ۲۸)

باغچه‌بان، جبار (صدای بی‌صدایان، پدر ناشنویان ایران)

«جبار عسکرزاده معروف به باغچه‌بان پدیدآورنده روش آموزش ناشنویان در ایران و نخستین کودکستان و نخستین مدرسه ناشنویان ایران در تبریز است. او همچنین نخستین نویسنده و ناشر کتاب کودک در ایران و پایه‌گذار آموزش و پرورش پیش از دبستان و از پیشگامان فرهنگ و ادبیات و نمایش کودکان در ایران است.

او در سال ۱۲۶۴ شمسی در ایروان، از ایالات قفقاز به دنیا آمد. پدر و جدّ وی از اهالی تبریز بودند. پدرش قناد، معمار و مجسمه‌ساز بود. مادر بزرگش، بنفشه خانم، زنی باکفایت، طبیب محل و شاعره بود. این دو فرد، نقش مهمی در پرورش استعدادهای هنری و خلاقیت جبار داشتند. از کارهای مهمی که وی انجام داد میتوان به این موارد اشاره کرد: ابتکار روش جدید برای آموزش الفبا، تأسیس کودکستان، پایه‌گذاری ادبیات نمایشی کودکان، آغاز تعلیم به کودکان کر و لال، توجه به آموزش دختران و بانوان، تأسیس نخستین کودکستان در شیراز، پایه‌گذاری ادبیات نمایشی کودکان در ایران، پایه‌گذاری آموزش ناشنویان در ایران، اختراع تلفن گنگ با گوشی استخوانی.» (رستمی، ۱۳۹۶: ص ۱۸۹)

بهرنگی، صمد (ادیب، شاعر، نویسنده، داستان‌سرا)

«صمد بهرنگی در دوم تیرماه ۱۳۱۸ در محله چرنداب در جنوب بافت قدیمی شهر تبریز در خانواده‌ای تهیدست چشم به جهان گشود. وی پس از تحصیلات دبستان و دبیرستان در مهر ۱۳۳۴ به دانشسرای مقدماتی پسران (تبریز) رفت و در خرداد ۱۳۳۶ از آن‌جا فارغ‌التحصیل شد. از مهر همان سال و در حالی که تنها هجده سال داشت، آموزگار شد و تا پایان عمر در آذرشهر، ممقان، قاضی‌جهان، گوگان و آخی‌جهان در استان آذربایجان شرقی که آن زمان روستا بودند، تدریس کرد. در مهر ۱۳۳۷ برای ادامه تحصیل در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به دوره شبانه دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه تبریز رفت و هم‌زمان با آموزگاری، تحصیلش را تا خرداد ۱۳۴۱ و دریافت گواهینامه پایان تحصیلات ادامه داد.

تلاشهای آموزشی صمد بهرنگی هم‌زمان با موج تلاشها برای به رسمیت شناختن حقوق کودکان در ایران بود. در درون حاکمیت ایران، کسانی چون پرویز ناتل خانلری (وزیر فرهنگ آن هنگام) در پایه‌گذاری سپاه دانش و در خارج از دستگاه‌های دولتی،

دسته‌ای از نخبگان مانند ثمین باغچه‌بان، لیلی ایمن، توران اشتیاقی، معصومه سهراب، یحیی مافی، توران میرهادی، ایرج جهانشاهی، محمد بهمن بیگی و عباس سیاحی بودند. بهرنگی در ۱۹ سالگی نخستین داستان منتشر شده‌اش به نام عادت (۱۳۳۹) را نوشت. یک سال بعد داستان تلخون را که برگرفته از داستانهای آذربایجان بود، با نام مستعار «ص. قاراقوش» در هفته‌نامه کتاب هفته منتشر کرد. بعدها از بهرنگی مقالاتی در روزنامه مهدآزادی، نشریه توفیق و غیره با امضاهای گوناگون مانند «داریوش نواب‌مرغی»، «چنگیز مرآتی»، «بابک»، «افشین پرویزی»، «ص. آدام» و «آدی باتمیش» به چاپ رسیدند. در سال ۱۳۷۷ برای نخستین بار پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران، مجموعه قصه‌های صمد بهرنگی با تصحیح عزیزالله علیزاده توسط نشر فردوس در چهار صد و ۳۸ صفحه منتشر شد. (همان: ص ۱۹۵)

خاقانی شروانی، افضل‌الدین (حسان العجم)

«حسان العجم افضل‌الدین بدیل‌بن علی خاقانی شروانی، متخلص به خاقانی (۵۲۰ قمری در شروان - ۵۹۵ قمری در تبریز) از جمله نامدارترین شاعران ایرانی و بزرگ‌ترین قصیده‌سرایان تاریخ شعر و ادب فارسی به شمار می‌آید. از القاب مهم وی حسان العجم است و در مقبره الشعراء تبریز دفن گردید. شهرت خاقانی نویسنده این مقاله را از تشریح آثار و جایگاهش بی نیاز میکند.

خجندی، کمال

«کمال خجندی در خجند از بلاد ماوراءالنهر به دنیا آمد. در جوانی به سفر حج رفت و بعد از مراجعت در تبریز سکنی گزید و تحت حمایت سلطان حسین جلایر (۷۸۴-۷۷۶ ق) قرار گرفت. این شهریار در حق شیخ توجه بسیاری ارزانی داشت. در ولیانکوه تبریز باغی به او اهدا کرد که در آن باغ خانقاهی ساخت و تا پایان عمر در آنجا مشغول عبادت و ارشاد مریدان خود گردید.

خانقاه شیخ کمال سالها محل گردهمایی اهل فضل و ادب بود و مردم تبریز نسبت به وی احترام زیادی قائل بودند. هیچ شاعری به اندازه کمال، تبریز را تعریف نکرده گویا این شاعر و عارف گرانقدر از جان و دل عاشق تبریز بوده است.

تبریز مرا راحت جان خواهد بود	پیوسته مرا ورد زبان خواهد بود
تا در نکشم آب چرنداب و گجیل	سرخاب ز دیده‌ام روان خواهد بود

وی در علوم ظاهری و باطنی عصر خود استاد بود و چون در تصوف و شعر و ادب تبحر داشت پیروان و مریدان بسیاری پیدا کرد. (صفا، ۱۳۸۱: ص ۲۲۹)

ساعدی، غلامحسین (نویسنده، نمایشنامه‌نویس، روزنامه‌نگار، روانپزشک)

«غلامحسین ساعدی معروف به گوهرمراد سال ۱۳۱۴ هجری شمسی در تبریز به دنیا آمد. در ۱۸ سالگی، همزمان با شکل‌گیری نهضت ملی، فعالیت سیاسی خود را با انتشار روزنامه‌های فریاد، صعود و جوانان آذربایجان که به فرقه دموکرات آذربایجان تعلق داشت، آغاز نمود و مقالات و داستانهایی در آنها منتشر نمود. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مخفی شد و در شهریورماه همان سال دستگیر و چند ماهی در زندان به سر برد. دو سال بعد وارد دانشکده پزشکی تبریز شد و همزمان به نوشتن داستان و نمایشنامه پرداخت تا این که در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی پس از آشنایی با صمدپهرنگی، بهروز دهقانی و مفتون امینی جنبشهای دانشجویی و اعتصابات دانشگاه تبریز را رهبری کرد.

طی سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ در پاریس ضمن انتشار مجله الفباء به نگارش چند نمایشنامه، فیلمنامه و داستان دست زد که از مهمترین آنها میتوان به کتابهای زیر اشاره کرد: خانه‌های شهر ری، لیل‌ها، غیوران شب، سایه‌های شبانه، سفرمرد خسته، تک‌نگاری ایلخچی، خیابو یا مشکین‌شهر، عزاداران بیل، چوب به‌دست‌های ورزیل، بهترین بابای دنیا، تک‌نگاری اهل هوا، مقتل، پنج نمایشنامه از انقلاب مشروطیت، واهمه‌های بی‌نام و نشان، ترس و لرز، تک‌نگاری قرا داغ، جانشین و فیلم‌نامه گاو. این نویسنده بزرگ در آذرماه ۱۳۶۴ در پاریس درگذشت و پیکرش در آرامستان پرلاشز و در کنار قبر صادق‌هدایت آرام گرفت. (موسوی، ۱۳۹۱: ص ۲۶۹)

شهریار، محمدحسین

«سیدمحمدحسین بهجت تبریزی (زاده ۱۲۸۵ - درگذشته ۱۳۶۷) متخلص به شهریار در سال ۱۲۸۵ خورشیدی در شهر تبریز متولد شد. دوران کودکی را به علت شیوع بیماری در شهر، در روستای اجدادیش خشک‌ناب، واقع در شهرستان بستان‌آباد سپری کرد. پدرش «میرآقا بهجت‌خشک‌نابی» نام داشت که در تبریز وکیل بود. پس از پایان سیکل (راهنمایی) در تبریز، در سال ۱۳۰۰ برای ادامه تحصیل از تبریز عازم تهران شد و در مدرسه دارالفنون تا سال ۱۳۰۳ و پس از آن در رشته پزشکی ادامه تحصیل داد.

حدود شش ماه پیش از گرفتن مدرک دکتری، به علت شکست عشقی و ناراحتی و خیال و پیشامدهای دیگر، ترک تحصیل کرد. در سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۰ اثر مشهور خود، حیدربابایه سلام را میسرآید. ۲۷ شهریور را «روز شعر و ادب فارسی» نامگذاری کرده‌اند. وجه تسمیه این نام‌گذاری سالروز درگذشت شهریار است. مهم‌ترین اثر شهریار منظومه حیدربابایه سلام؛ (سلام به حیدربابا)، است که از معروف‌ترین آثار ادبیات ترکی آذربایجانی به شمار میرود و شاعر در آن از اصالت و زیباییهای روستا یاد کرده است. این مجموعه در میان اشعار مدرن قرار گرفته و به بیش از ۸۰ زبان زنده دنیا ترجمه شده است. شهریار در

سرودن انواع گونه‌های شعر فارسی مانند قصیده، مثنوی، غزل، قطعه، رباعی و شعر نیمایی نیز تبحر داشته‌است؛ اما بیشتر از دیگر گونه‌ها در غزل شهره بود و از جمله غزل‌های معروف او میتوان به «علی ای همای رحمت» و «آمدی جانم به قربانت» اشاره کرد. (همان: ۴۴۴)

صائب تبریزی، محمدعلی (بزرگترین غزلسرای سده یازدهم هجری)

«میرزا محمدعلی صائب تبریزی (زاده ۱۰۰۰ هجری در تبریز و درگذشته ۷-۱۰۸۶ هجری در اصفهان) بزرگ‌ترین غزلسرای سده یازدهم هجری و نامدارترین شاعر زمان صفویه است. پدر او تاجری معتبر بود. عمویش، شمس‌الدین تبریزی معروف به شیرین‌قلم، از خوشنویسان برجسته روزگار خود به شمار می‌رفت و به احتمال بسیار صائب که خط خوشی داشت، نزد وی خوشنویسی آموخته بود. خانواده صائب جزو هزار خانواری بودند که به دستور شاه‌عباس اول صفوی از تبریز کوچ کرده و در محله عباس‌آباد اصفهان ساکن شدند و این مردم را تبارزه (تبریزی‌های) اصفهان می‌نامیدند.

صائب تبریزی شاعری کثیرالشعر بود، شمار اشعار صائب را از ۶۰ هزار تا صد و ۲۰ هزار بیت گفته‌اند. آثار صائب جز سه چهار هزار بیت قصیده و یک مثنوی کوتاه و ناقص به نام قندهارنامه و دو سه قطعه، همگی غزل است. افزون بر فارسی وی هفده غزل به ترکی آذربایجانی نیز دارد. صائب تبریزی در غزلیات خود به زادگاهش تبریز اشاره کرده است:

ز خاک پاک تبریزست صائب مولد پاکم از آن با عشقباز شمس تبریزی سخن دارم
صائب از خاک پاک تبریزست هست سعدی گرا از گل شیراز
(رستمی، ۱۳۹۶: ص ۱۸۰)

قطران تبریزی، ابومنصور (نخستین شعرای پارسیگوی آذربایجان)

«فخرالشعرا شرف‌الزمان حکیم ابومنصور قطران شادآبادی تبریزی، شاعر ایرانی سده پنجم هجری و مقدم شعرای پارسیگوی آذربایجان است. در محله یا روستای شادآباد تبریز به دنیا آمد. قطران از طبقه دهقانان بود. چنان که میسراید:

یکی دهقان بدم شاه شدم شاعر ز نادانی مرا از شاعری کردن تو گرداندی به دهقانی

با آنکه زبان مادری قطران پهلوی بود، به پارسی دری نیکو شعر میسرود. علت عدم عادت قطران به زبان پارسی آن بود که خود به لهجه ایرانی آذری (پهلوی) خو گرفته و پاره‌ای لغات و اصطلاحات اهل مشرق را که از زبان محلی آنان بوده، نمی‌شناخته است. یکی از وجوه اهمیت او آن است که نخستین کسی است که در آذربایجان به پارسی دری آغاز سخنوری کرده و مقتدای شاعران آذربایجان گردیده است.

رشیدالدین وطواط شعرهای او را می‌ستاید. گویند همه اشعار وی به هشت تا ده هزار هزار بالغ میشود. وی مدتی هم در بلخ می‌زیسته و منظومه قوسنامه را در آنجا به نام

امیراحمد بن قماج حاکم بلخ از امیران سلطان سنجر نظم کرده است. قطران در سال ۴۶۵ هجری قمری درگذشت. وی به همراه اسدی طوسی از شاعران بزرگی است که در مقبره‌الشعرا در کوی سرخاب تبریز مدفون است.

بود محال مرا داشتن امید محال به عالمی که نباشد هگرز بر یک حال
از آن زمان که جهان بود حال زین سان بود جهان بگردد لیکن نگردهش احوال
(همان: ص ۵۹۶)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به مفاهیم و علل نخبه‌پروری و پرورش نخبگان در آذربایجان در زمینه ادبیات اشاره شد. علت بالندگی نخبگان و تعدد و فراوانی آن را میتوان شامل وجود مکاتب ادبی، آموزش و پرورش، آموزش عالی و ... در آذربایجان دانست. صاحب قلمان برخاسته از آذربایجان هریک آغازگر یک حرکت یا سبک تازه بوده‌اند.

منابع و مآخذ

- الوین، تافر. (۱۳۷۵). موج سوم. ترجمه شهیندخت خوارزمی، نشر نو
- امیرالمومنین حضرت علی. (۱۳۷۹). نهج‌البلاغه. به قلم فیض‌الاسلام. انتشارات فقیه، چاپ پنجم
- بشریه، حسین. (۱۳۷۹)، سیری در نظریه‌های جدید در علوم سیاسی. نشر علوم نوین، تهران
- تدراپرت گر. (۱۳۸۸)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند. ترجمه علی مرشدی زاد. انتشارات پژوهشکده، مطالعات راهبردی، تهران
- جولی گولد، ویلیام کوب. (۱۳۹۲). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه محمد جواد زاهدی مازندرانی، نشر مازیار، تهران
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا. چاپ دوم
- رستمی، بهروز. (۱۳۹۶)، تبریز از نگاهی نو. انتشارات ستوده
- سرداری‌نیا، صمد. (۱۳۸۱). تبریز شهر اولین‌ها. کانون فرهنگ و هنر آذربایجان، تبریز
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۸). تاریخ ادبیات در ایران. انتشارات فردوس
- فروزانفر، بدیع‌الزمان. (۱۳۸۷). سخن و سخنوران، تهران. نشر خوارزمی ۱۳۹۰ و نشر زوار
- لویی، مورو دویلن. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی اقتدار. ترجمه علی سیلانیان طوسی. نشر دانشگاه فردوسی مشهد
- مسرور، حسین. (۱۳۰۷). شرح حال اوحدی مراغه‌ای. ارمغان، تهران
- موسوی، کبری. (۱۳۹۱). فرهیختگان و نام‌آوران استان آذربایجان شرقی. نشر: اوج علم مقالات

- آراین پور، یحیی. (۱۳۷۴). زندگی نامه یحیی آراین پور. مجله جهان کتاب. نیمه دوم مهر، شماره ۱، ص ۱۴

- Alvin, Tafer. (1375). third wave. Translated by Shahindokht Kharazmi, New Publication
- Amir al-Momenin Hazrat Ali. (1379). nahjolbalagee. By the grace of Islam. Faqih Publications, fifth edition
- Bashari, Hussein (2000), A look at new theories in political science. Publication of New Sciences, Tehran
- tedrabort ger. (2009), Why Humans Rebel. Translated by Ali Morshedizad. Research Institute Publications, Strategic Studies, Tehran
- Julie Gould, William Cobb. (1392). Social science culture. Translated by Mohammad Javad Zahedi Mazandarani, Maziar Publishing, Tehran
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1377), Dehkhoda Dictionary. second edition
- Rostami, Behrooz. (1396), Tabriz from a new perspective. Sotoudeh Publications
- Sardaria, Samad. ﺋ (1381). Tabriz is the city of the first. Azerbaijan Culture and Art Center, Tabriz
- safa, zabihollah. (1989). History of Literature in Iran. Ferdows Publications
- Forouzanfar, Badi'a al-Zaman. (1387). Speakers and speakers, Tehran. Kharazmi Publishing 1390 and Zavar Publishing
- Louis, Moro Dublin. (1375). Sociology of Authority. Translated by Ali Silanian Tusi. Published by Ferdowsi University of Mashhad
- Masroor, Hussein (1307). Description of the state of Maragheh. Armaghane, Tehran
- Mousavi, Kobra. (1391). Scholars and namesakes of East Azerbaijan province. Publication: The Peak of Science

Articles

-Arianpour, Yahya. (1374). Biography of Yahya Arianpour. Book World Magazine. The second half of October, No. 1